

# هو الأبهی - ای بندهء در گاه آلهی آنچه از خامهء محبت الله

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



مناجات - من آثار حضرت عبدالبهاء - بشارة النور، ۱۴۴ بدیع، صفحه  
۱۲۰

## ﴿ هو الابهی ﴾

ای بندهء در گاه آلهی آنچه از خامهء محبت الله جاری قرائت گردید و از مضامینش معانی دل نشین ادراک گردید امید از موهبت رب مجید چنان است که در کل احیان بنفحات رحمن زنده و تر و تازه باشید در خصوص مسأله تناسخ مرقوم نموده بودید این اعتقاد تناسخ از عقائد قدیمه اکثر امم و ملل است حتی فلاسفه یونان و حکمای رومان و مصریان قدیم و آثوریان عظیم و لکن در نزد حق جمیع این اقوال و اوهام مزخرف و برهان اعظم تناسخیان این بود که مقتضای عدل الهی این است که اعطای کل ذی حق حقه شود حال هر انسان ببلائی مبتلا شود گوئیم که گاهی نموده است و لکن طفلی که هنوز در رحم مادر است و نطفه اش تازه انعقاد کرده است و کو و کر و شل و ناقص الخلقه است آیا چه گاهی نموده است که به چنین جزائی گرفتار شده است پس این طفل اگر چه بظاهر در رحم مادر خطائی نموده و لکن پیش از این در قالب اول جرمی کرده که مستوجب چنین جزائی شده ولی این نفوس ازین غافل گشته اند که اگر خلقت بر یک منوال بود قدرت محیطه چگونه نمودار میشد و حق چگونه یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید می گشت باری ذکر رجعت در کتب الهی مذکور و این مقصد طرجوع شئون و آثار و کمالات و حقایق و انواری است که در هر کور عود مینماید نه مقصد اشخاص و ارواح مخصوصه است مثلاً گفته میشود که این سراج دیشب و امشب عود نموده است و یا آنکه گل پاری امسال باز در گلستان رجوع کرده است در این مقام مقصد حقیقت شخصیه و عین



ORIGINAL

ثابته و کینونت مخصوصه آن نیست بلکه مراد آن شئون و مراتبی است که در آن سراج و در آن گل موجود بود حال در این سراج و گل مشهود یعنی آن کالات و فضائل و مواهب ربیع سابق در بها لا حق عود نموده است مثلاً این ثمر همان ثمر سال گذشته است در این مقام نظر بلطافت و طراوت و نضارت و حلاوت آن ثمره است و الا البته آن حقیقت متعینه و اعین مخصوصه رجوع نموده آیا از یک مرتبه وجود در این عرصه شهود اولیای الهی چه نعمتی و راحتی دیدند که متصلاً عود و رجوع و تکرر خواهند آیا یک مرتبه این مصائب و بلایا و رزایا و صدمات و مشکلات کفایت نمی کنند که تکرر این وجود را در این عالم خواهند این کأس چندان حلاوتی نداشته که آرزوی تتابع و تکرر شود پس دوستان جمال ابهی ثوابی و اجری جز مقام مشاهده و لقا در ملکوت ابهی نجویند و جز بادیه تمنای وصول برفرف اعلی نپویند نعمت باقیه خواهند و موهبت سرمدیه که مقدّس از ادراکات امکانیه است چه که چون ببصر حدید نظر فرمائی جمیع بشر در این عالم ترابی معذبند مستریخی نه تا ثواب اعمال حیات مکرر سابق بیند و خوشحالی نیست که ثمره مشقّات ماضیه چیند و اگر حیات انسانی و وجود روحانی محصور در زندگانی دنیوی بود ایجاد چه ثمره داشت بلکه الوهیت چه آثار و نتیجه می بخشید بلکه موجودات و ممکّات و عوالم مکونات کل مهمل بود استغفر الله عن هذا التصور و الخطاء العظیم همچنانکه ثمرات و نتایج حیات رحمی در آن عالم تنگ و تاریک مفقود و چون انتقال باین عالم وسیع نماید فواید نشو و نماء آن عالم واضح و مشهود می گردد بهم چنین ثواب و عقاب و نعیم و حجیم و مکافات و مجازات اعمال و افعال انسان در این نشئه حاضر در نشئه آخری عالم بعد ازین عالم مشهود و معلوم میگردد و همچنانکه اگر نشئه و حیات رحمی محصور در همان عالم رحم بود حیات و وجود رحمی مهمل و نامربوط می گشت بهمچنین اگر حیات این عالم و اعمال و افعال ثمراتش در عالم دیگر نشود بکلی مهمل و غیر معقول است پس بدان که حق را عوالم غیبی هست که افکار امکانی از ادراکش عاجز است و عقول بشری از تصوّرش قاصر چون مشام روحانی را از هر رطوبت امکانی پاک و مطهر فرمائی نفحات قدس حدائق رحمانیه آن عوالم بمشام رسد و البهائ علیک و علی کلّ ناظر و متوجه الی الملکوت الابهی الذی قدسه الله عن ادراک الغافلین و ابصار المنکرین . (عبدالبهاء عباس)